

بررسی و تبیین اقدامات اقتصادی، فرهنگی و نظامی «محمدعلی پاشا» با تأکید بر جنگ «نصیبین»

حسن فضل^۱

^۱ دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مدرس مدعو مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

یکی از نواحی بااهمیت تحت سلطه دودمان عثمانی، منطقه مصر بوده است. این منطقه پس از فروپاشی و اضمحلال دولت ممالیک، در اختیار محمدعلی پاشا قرار گرفت. وی به روزگار حاکمیت خود، تلاش‌های فراوان در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی انجام داد. از طرف دیگر روحیه توسعه‌طلبی او باعث شد که درصدد گسترش قلمرو خویش برآید. فراست و تدبیر وی در کنار تلاش‌های فراوان در جهت نیل به هدف‌های بلند، پیشرفت‌های چشمگیری را برای او به دنبال داشت. پژوهش پیش رو به اقدامات مهم او پرداخته و در این میان جنگ نصیبین را که میان وی و دولت عثمانی انجام شده است، براساس مطالعه آثار متعدد تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده ضمن پرداختن به علل و عوامل پدیدآمدن و تشریح این جنگ، به تکاپوهای دولت‌های استعمارگر و تعامل آنها با دولت عثمانی و بستن قراردادهای گوناگون فیما بین این دولت‌ها برای کاستن قدرت رو به تزاید محمدعلی پاشا اشاره کرده، به فرجام حکومت محمدعلی می-پردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر تلاش‌ها و اقدامات وی در زمینه‌های گوناگون بوده و اینکه محمدعلی پاشا در حمله‌هایی که به شام و آسیای صغیر (ترکیه) داشته از جمله در جنگ نصیبین، توانسته است دولت عثمانی را به سختی شکست دهد و دولت‌های بزرگ را به اقداماتی متوسل کند تا از ظهور و گسترش دولت قدرتمندی در مصر جلوگیری کنند.

واژه‌های کلیدی: مصر، اقدامات محمدعلی پاشا، محمود عثمانی، دولت‌های استعمارگر، جنگ نصیبین (نزیب)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از مشهورترین حاکمان مصر پس از دوران شکوهمند حاکمیت فاطمیان، ایوبیان و ممالیک، محمدعلی پاشا (۱۲۶۵-۱۲۲۰ق/۱۸۴۸-۱۸۰۵م) است. محمدعلی که تباری آلبانیایی داشته توانسته است در سایه تلاش‌ها و پشتکار خویش، از طرف دولت عثمانی، حاکمیت مصر را به دست آورد. وی اقدامات علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بسیاری در مصر انجام داد. روحیه بلندپروازی و توسعه‌طلبی محمدعلی باعث شد که در برابر سلطان عثمانی قرار گرفته و موجبات برخورد‌های نظامی مختلف با آن دولت شود. یکی از این برخوردها، جنگ نصیبین (نزیب) در سال ۱۲۵۵/۱۸۳۹م میان دولت عثمانی (۱۳۴۲-۶۹۸ق/۱۹۲۴-۱۲۹۹م) و محمدعلی پاشا در مکانی به همین نام در جنوب ترکیه رخ داد. فرماندهی این نبرد را ابراهیم پاشا، فرزند محمدعلی پاشا، عهده‌دار بود. این جنگ و رویارویی‌های پیش از آن که در شام و آسیای صغیر (ترکیه) اتفاق افتاده بود، شکست و هزیمت سپاه عثمانی را به دنبال داشته است.

پژوهش پیش رو با تکیه بر منابع تاریخی، سیاسی، تشکیلاتی و نظامی معاصر که توسط پژوهشگران و خاورشناسان مختلف نگاشته شده با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که محمدعلی پاشا چه اقدامات حائز اهمیتی در مصر انجام داده است و علل و چگونگی بوجودآمدن یکی از این اقدامات نظامی که جنگ نصیبین است را تبیین کند؛ ضمن اینکه نگارنده بر آن است تا با جست‌وجو در متون، واکنش‌ها و اقدامات دول استعمارگر را در برابر شکست‌های دولت رو به افول عثمانی، بویژه در این جنگ مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد که تمام این اقدامات دولت‌ها به‌ویژه حمایت از دولت عثمانی، به منظور جلوگیری از ظهور دولتی نیرومند در مصر بوده است. احتمالاً پدیداری این دولت می‌توانسته در آینده تاحدودی باعث به‌مخاطره‌افتادن منافع سیاسی و اقتصادی این کشورهای استعمارگر باشد.

به طور خاص در موضوع مقاله، پژوهشی نگاشته نشده اما در کتاب‌ها و متون مختلف تاریخی، تراجم (زندگی‌نامه‌ها)، تشکیلات و اسناد سیاسی و نظامی مربوط به دو کشور ترکیه و مصر و دودمان عثمانی و پادشاهای مصر، به زندگی محمدعلی پاشا، اقدامات وی و جنگ نصیبین، به طور اختصار اشاره شده است. کتاب *اوروپا و مصیر الشرق العربی*، نوشته جوزف حجار که توسط بطرس الحلاق و ماجد نعمه به عربی ترجمه شده، از نگاه اسناد و مدارک به تبیین نبردها، و آن هم به‌طور محدود، پرداخته است. کتاب *ذکری البطل الفاتح ابراهیم پاشا* که به مناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت این فرمانده بزرگ، وسیله جمعی از استادان و پژوهشگران از جمله عبدالحمید بطریق به رشته تحریر در آمده است، به حیات سیاسی و رخداد‌های زمان فرماندهی ابراهیم، فرزند محمدعلی پاشا پرداخته و بدین روی مطالب بیشتر و تخصصی‌تر داشته و دیدی آماری دارد. کتاب *أخطاء يجب أن تصحح فی التاريخ الدوله العثمانیه* که توسط جمال عبدالهادی محمدمسعود و تنی چند از نویسندگان نگاشته

شده، نگاهی انتقادی به وقایع دوران عثمانی داشته و جنگ نصیبین نیز از نگاه منتقدانه نویسندگان این اثر سه جلدی دور نمانده است. بیشتر منابع مورد اشاره و متون مستفاد، منابعی کلی هستند و نگاهی گذرا و جزئی به این مطالب تاریخی داشته-اند؛ از این رو پژوهش حاضر در نوع خود، کاری جدید تلقی می‌شود.

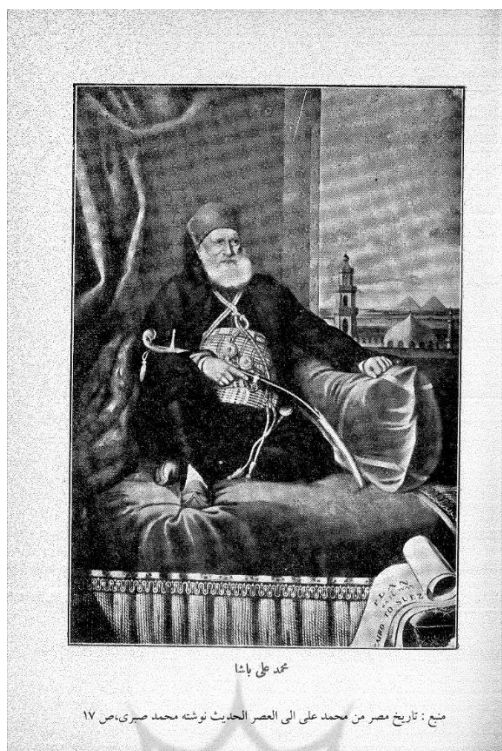
۱. برآمدن محمدعلی پاشا

پس از لشکرکشی فرانسه به فرماندهی ناپلئون بناپارت (۱۸۱۵-۱۸۰۴م) به سال ۱۲۱۳ق/۱۷۹۸م به مصر و فتح این کشور، دیری نپایید که نیروهای انگلیسی و عثمانی در سال ۱۲۱۶ق/۱۸۰۱م توانستند آنها را از مصر بیرون برانند (هولت، پی‌ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۴). هرچند این جنگ دوام چندانی نیافت اما تا حدودی به حکومت ممالیک در مصر خاتمه داد. در پی آن سلطان عثمانی، سپاهی تحت فرماندهی محمدعلی (۱۲۲۶-۱۲۲۰ق/۱۸۴۹-۱۸۰۵م) به آنجا فرستاد (پل رو، ۱۳۵۲ش: ۱۹۰). محمدعلی ماجراجویی آلبانیایی تبار بود که در گذشته به فروش تنباکو اشتغال داشت ولی اینک رتبه افسری کسب کرده بود. وی مردی جاه طلب، باهوش، بلندهمت و نستوه اما در عین حال فردی بی سواد بود؛ بسیار می‌گفت که از کتاب‌ها تنها عکس و تصویر افراد را می‌بیند (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۳۸)؛ محمدعلی در سال ۱۲۱۶ق/۱۸۰۱م وارد مصر شد و به سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م خود را پاشا خوانده حاکمیت آنجا را به دست گرفت (بورلو، ۱۳۸۶ش: ۲۸۳-۲۸۲). (تصویر شماره ۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. محمدعلی متولد سال ۱۱۸۳ق/۱۷۶۹م در قوّه منطقه‌ای میان تراقیه و مقدونیه است (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۱۰).

۲. پاشا، یک مقام بالا در سیستم لشکری و کشوری امپراتوری عثمانی بوده که معمولاً به فرمانداران و تیمسارها یا دیگر اشخاص بزرگ داده می‌شد. این واژه تغییر یافته کلمه فارسی «پادشاه» است که از طریق زبان ترکی عثمانی به صورت «باشا» وارد زبان عربی نیز شده است (دهخدا، بی تا: ذیل پاشا).



تصویر شماره ۱، محمدعلی پاشا

۱-۱. اقدامات و اصلاحات محمدعلی پاشا

همزمان و حتی پیش از اقدامات و اصلاحاتی که توسط سلاطین عثمانی در قلمروشان صورت می گرفت ، محمدعلی پاشا که خود مسلمانی تجددگرا بود در مصر اصلاحاتی انجام داد. او برای نوسازی در قلمرو خود، از دولت فرانسه و تعدادی از مستشاران غربی از جمله «فون مولتکه» در این اصلاحات کمک گرفت (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م: ۱۹۲). در زمینه اصلاحات نظامی محمدعلی پاشا با مراعات اصل اطاعت از باب عالی، به تشکیل سپاهی منظم و تعبیه قوایی عظیم پرداخت؛ به

۳. با گسترش و توسعه روزافزون دولت عثمانی در دهه ۱۸۲۰ میلادی، این دودمان برای حفظ و صیانت از مناطق زیرمجموعه خود به

اقدامات زیادی دست یازیدند. از جمله: الف. تبدیل و اعلان رسمی اراضی موقوفه به عنوان ملک خزانه‌داری امپراتوری؛ ب. استخدام افسران خارجی برای آموزش و تربیت نیروهای نظامی نوین؛ ج. برقراری مجدد سلطه قدرت مرکزی در ایالات و پایان دادن به حکومت‌های محلی؛

د. انحلال سپاه «ینی چری». البته این سلسله اقدامات، طرفی نیست و مانع و رادعی برای ضعف و زوال دولت عثمانی نشد. حتی با گذشت

زمان، شکست‌هایی را در جنگ‌ها برای سپاهیان عثمانی به دنبال داشت (آندرسون، ۱۳۵۸ش: ۵۶). البته اصلاحات در این دودمان در

سال‌های بعد نیز ادامه یافت که طی مراحل با عناوین «تنظیمات» در سال ۱۸۳۹ و سپس «مشروطیت» به دوران عبدالحمید دوم انجام

شد (الحصری، ۱۹۶۰م: ۷۵-۷۲).

طوری که مصر برای نخستین بار دارای ارتشی ملی شد که از جوانان روستایی تشکیل شده بود. این سربازان توسط افسرانی آموزش می‌دیدند که خود بوسیله فرانسویان تربیت شده بودند و توانستند با گذشت روزگار رودرروی حکومت مرکزی عثمانی ایستاده و ادعای استقلال کنند. به نظر می‌رسد که دوستی و رفاقت محمدعلی با مسیو «لیون» که یکی از تجار و نماینده تجاری فرانسه در زادگاه او بوده و یادگیری آداب و رسوم فرانسوی از وی، تأثیر زیادی بر توجه محمدعلی به فرانسه و مستشاران این کشور داشته است (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۱۰).

وی برای نخستین بار در مصر همزمان با جنگ با وهابیان عربستان، ناوگان دریایی را افتتاح کرد و به سال ۱۲۴۵ق/۱۸۲۹م «دارالصناعه البحریه» را در اسکندریه تأسیس نمود. البته تأسیس دارالصناعه را پیش از این تاریخ هم یعنی به سال ۱۲۲۴ق/۱۸۱۰م با پانزده کشتی و در دریای سرخ ذکر کرده‌اند. (طوسون، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۶۳-۶۲) در سال ۱۲۴۸ق/۱۸۳۲م نیروی دریایی وی دارای سی فروند کشتی جنگی با یک‌هزار و سیصد عراده توپ بوده است (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۶۴).

محمدعلی پاشا علاوه بر اصلاحات نظامی، در توسعه اقتصاد کشور نیز کوشید. صنایع شیشه‌سازی، کاغذسازی، فرآورده‌های پوست، تولیدات شیمیایی مانند باروت از این جمله است (حجار، ۱۹۷۶م: ۲۵). او صنایع بافندگی را با استفاده از متخصصان فرانسوی راه‌اندازی کرد. محمدعلی، کشاورزی را رونق و توسعه داد. از جمله اقدامات وی در این زمینه می‌توان به تقسیم اراضی بین روستاییان، تهیه دفتر ثبت املاک، گسترش تولیدات کشاورزی، بازسازی سیستم آبیاری، ایجاد کانال‌های آبی همچون «محمودیه» از نیل تا اسکندریه برای آب شرب و قایقرانی، احداث پل و سد بر روی نیل، غرس درختان گوناگون بویژه توت و کشت نیشکر، برنج و پنبه اشاره کرد. محمدعلی بر دانش و آموزش هم تأکید داشت؛ چاپخانه‌ای ایجاد کرد و دستور داد کتاب‌های غربی را به عربی ترجمه کنند و گروه‌هایی از دانشجویان را برای تحصیل علوم جدید به اروپا اعزام کرد (زمانی محبوب، ۱۳۸۹ش: ۱۱۲؛ بورلو، ۱۳۸۶ش: ۲۸۳؛ هولت، پی‌ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۶). در سال ۱۸۳۳ میلادی تعداد این دانشجویها بالغ بر یکصد نفر بوده است (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۵۵). از اقدامات مهم دیگر وی تأسیس انجمن یا شوراها گوناگون در زمینه‌های نظامی و جنگ، کشاورزی، آموزش و دیگر امور تحت اشراف و نظارت مجلس و شورای حکومتی بود (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۳۹). تأسیس دواوین از جمله دیوان خدیو، دیوان معارف و دیوان تجارت و ساخت مدارس گوناگون از قبیل مدارس ابتدائی و مدارس ویژه همچون مدارس پزشکی از دیگر اقدامات و فعالیت‌های ارزنده وی به شمار می‌رود (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۵۸-۱۴۳).

در زمان او صادرات و واردات نیز از رونق خوبی برخوردار بوده است (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۵۴). در کتاب «خاطرات یونان» که توسط روزنامه‌نگاری به نام «لوفیرنی» هنگام حملات سال ۱۸۲۵ میلادی به یونان نوشته شده، اعتراف شده که پیشرفت‌های اقتصادی محمدعلی پاشا در آینده بازارهای اروپا را تسخیر خواهد کرد (حجار، ۱۹۷۶م: صص ۲۶-۲۷)!

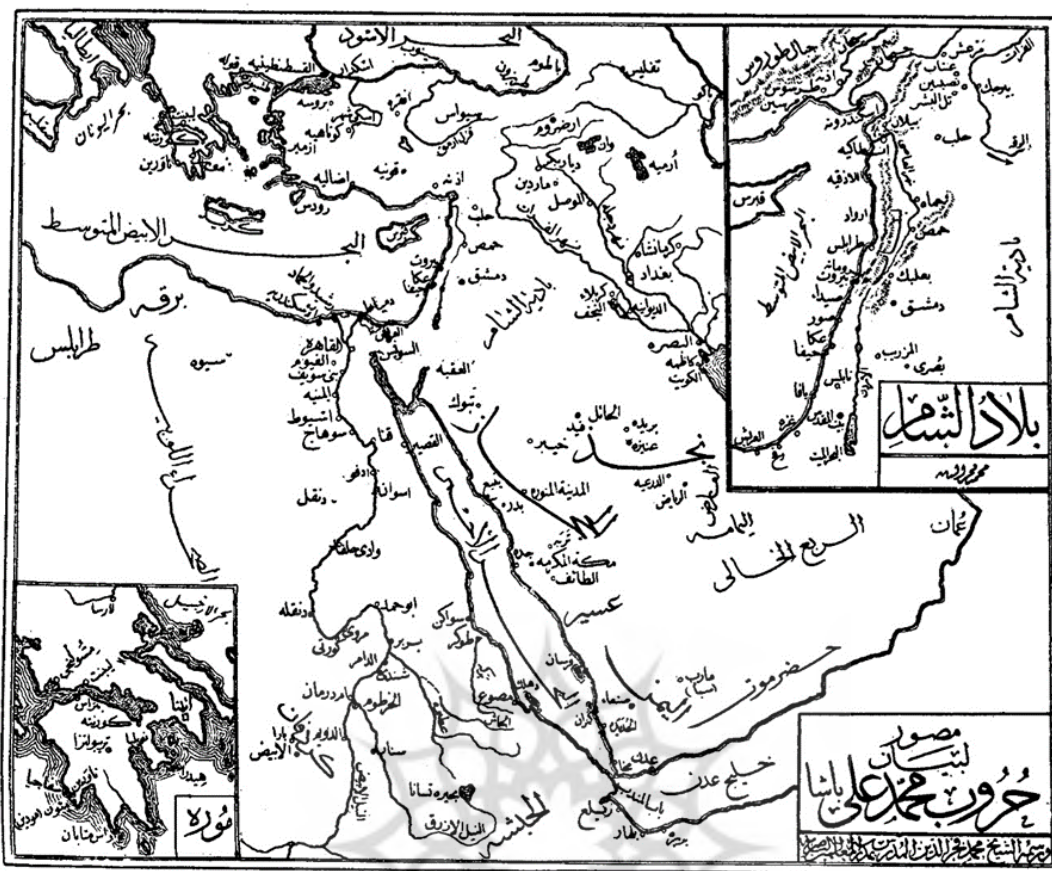
۱-۲. حمله‌های محمدعلی پاشا پیش از جنگ نصیبین

محمدعلی با قدرت تمام به قلع و قمع و کشتار بازماندگان ممالیک (۹۲۲-۷۸۴ ق) در فاصله سال‌های ۱۳۳۰-۱۲۱۹ق/۱۸۱۱-۱۸۰۱م پرداخت و برخی ایشان را از مصر راند؛ ضمن اینکه به سال ۱۸۰۷ میلادی هجوم انگلستان را از حوزه حکومت خویش دفع نمود و توانست وهابیان عربستان را سرکوب کند (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۵۹؛ اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۳۱-۱۲۷). در پی آن تصرفات خود را تا کشور سودان ادامه داد (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۳۸-۱۳۴). (تصویر شماره ۲)



۴. ابتدا در جمادی الثانی ۱۲۲۰ق/اگوست ۱۸۰۵م تعدادی از ممالیک که قاهره و دولت را تهدید می‌کردند، به قتل رسیدند. دیگر بار در جمعه پنجم صفر ۱۲۲۶ق/اول مارس ۱۸۱۱م حدود پانصد نفر از سران ممالیک که در قلعه‌ای دعوت شده بودند، قتل عام شدند (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۲۲-۱۲۱ و ۱۲۶).

۵. در سال ۱۳۳۰ق/۱۸۱۱م، رهبران ممالیک در قلعه قاهره قتل عام و بازماندگان ایشان در مصر علیا زندانی شدند. (هولت، پی‌ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۷). یکی از نویسندگان آمار این کشتار را حدود چهار هزار نفر در قاهره و هفت هزار نفر در مناطق دیگر طی روزهای بعد و نیز آواره نمودن بیست هزار نفر از پایتخت عنوان می‌کند (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م: ۱۹۰).



منبع: تاریخ مصر من الفتح العثماني الى قبيل الوقت الحاضر نوشته عمر اسکندری، ص ۱۳۹.

تصویر شماره ۲، جنگ های محمدعلی پاشا

در سال ۱۸۲۲ میلادی یونان ادعای استقلال کرد و باب عالی برای سرکوب فتنه از محمدعلی طلب کمک نمود. حتی باب عالی به جهت تطمیع وی، جزیره کرت را به سال ۱۲۳۹ق/۱۸۲۳م و موره را علاوه بر مصر در سال ۱۲۴۰ق/۱۸۲۴م، به او حاکمیت داد. در برابر اعطای جزیره کرت و موره به محمدعلی، وی از تصرفات سودان عقب نشینی کرد

۶. Crete

۷. محتمل است که همکاری و معاضدت محمدعلی با سلطان عثمانی از ابتدا به قصد حاکمیت بر شبه جزیره موره و جزیره کرت بوده است (عبدالهادی محمدمسعود و دیگران، ۲۰۰۲/۱۴۲۲هـ. ق، ج ۱: ۹۹). عقیده دیگری نیز وجود دارد که محمدعلی پاشا با قول مساعد سلطان

(صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۶۲). محمدعلی، فرزندش ابراهیم پاشا را با هفده هزار سپاهی برای سرکوب استقلال طلبان یونان و تصرف کرت و موره فرستاد. این مناطق و حتی آتن به تصرف ابراهیم درآمد (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۶۸-۱۶۶؛ صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۶۲-۶۱). (تصویر شماره ۳)



تصویر شماره ۳، ابراهیم پاشا
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

در تاریخ ۱۲۴۳ق/ بیستم اکتبر ۱۸۲۷م در جنگ «ناوارن» یا «نافرین» ناوگان های جنگی دولت های استعمارگر انگلیس، فرانسه و روس به بندر ناوارن حمله کرده و نیروی دریایی عثمانی و مصر را نابود کردند. در این جنگ سهمگین، سی هزار نفر کشته شدند (عبدالهادی محمد مسعود و دیگران، ۱۴۲۲/۲۰۰۲م، ج ۱: ۱۰۰). پس از این حمله دولت های بزرگ، سلطان

محمود دوم (۱۲۵۵-۱۲۲۳ق/ ۱۸۳۹-۱۸۰۸م) منی بر واگذاری ایالت سوریه به وی، حاضر شده است تا مقابل شورش یونانیان قرار بگیرد (زمانی محجوب، ۱۳۸۹ش: ۱۱۲).

^ Navarin

عثمانی خواستار صلح شده و به پیمان نامه «ادرنه» به سال ۱۸۲۹ میلادی تن داد و یونان هم استقلال کامل را باز یافت. گفته می شود پیش از آن باقیمانده سپاه ابراهیم پاشا از شبه جزیره موره عقب نشینی کرد (صبری، ۱۴۱۱/ق/۱۹۹۱م: ۶۴). به نظر می رسد معاهده ادرنه، قدرت نفوذ را برای دو کشور انگلستان و فرانسه در شرق دریای مدیترانه و برای روسیه، ضعف دولت عثمانی و ادامه تحت الحمایگی را به دنبال داشته است.

پس از این رویداد محمدعلی پاشا از سلطان عثمانی خواست که به خاطر خسارت زیادی که در این نبرد متحمل شده بود، سوریه یا شامات را به او داده و پاشای آنجا گردد اما سلطان عثمانی نپذیرفت. بدین روی محمدعلی خواست با جنگ، آنجا را تصرف کند (پل رو، ۱۳۵۲ش: ۱۹۱؛ یوسفبک آصاف، ۱۴۱۵/ق/۱۹۹۵م: ۱۱۸)

۳-۱. رویارویی محمدعلی پاشا و عثمانی ها در شام

در سال ۱۲۴۷/ق/۱۸۳۱م محمدعلی پاشا، فرزندش ابراهیم پاشا را با سی هزار جنگجو از مسیر زمینی عریش به منطقه شامات فرستاد (یوسفبک آصاف، ۱۴۱۵/ق/۱۹۹۵م: ۱۱۹؛ فریدبک المحامی، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م: ۴۴۹). از سوی دیگر شانزده کشتی جنگی و هفده کشتی تدارکات به فرماندهی عثمان نورالدین پاشا از طریق دریا در این جنگ همراهی داشتند (طوسون، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م: ۷۳). ظاهراً دیگر بار در فوریه ۱۸۳۲ میلادی محمدعلی از سلطان خواسته است تا ولایت شام را به او دهد اما این بار هم سلطان عثمانی نپذیرفته و حتی او را از حاکمیت مصر خلع کرده و به فرماندهی حسین پاشا، سپاهی را برای سرکوب او فرستاده است که در صورت پیروزی، جانشین او در مصر شود (صبری، ۱۴۱۱/ق/۱۹۹۱م: ۶۶). ابراهیم، نخست سپاه ترکان را در طرابلس شکست داد و در مسیر خود، غزه، یافا، بیت المقدس و نابلس را تصرف کرد و شهر حيفا را مقر نظامی خود قرار داد (فریدبک محامی، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م: ۴۴۹). عثمان پاشا با داشتن بیست هزار لشکر نتوانست با سپاه مصر مقابله کند و ابراهیم پاشا با شکست لشکر عثمان پاشا (فریدبک محامی، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م: ۴۴۹)، عکا در ذی الحجه ۱۲۴۷/ق/

^۹. Edirne

^{۱۰}. Arish

^{۱۱}. Gaza

^{۱۲}. Jaffa

^{۱۳}. Nablus

^{۱۴}. Haifa

^{۱۵}. Acre

مه ۱۸۳۲م، دمشق در محرم ۱۲۴۸ق/ ژوئن ۱۸۳۲م و حمص و حلب را در صفر ۱۲۴۸ق/ژوئیه ۱۸۳۲م فتح کرد. با فتح بیلان

در ربیع الاول ۱۲۴۸ق/ ژوئیه ۱۸۳۲م سپاه ابراهیم پاشا مسیرش را به سوی آسیای صغیر (آناتولی) تغییر داد (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۷۴).

سپاهیان مصری در بیست و هفتم جمادی الآخر سال ۱۲۴۸ق/ بیست و یکم نوامبر ۱۸۳۲م توانستند لشکر رشید پاشا (صدر اعظم) را در نزدیکی قونیه شکست داده او را به اسارت بگیرند (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۶۷؛ اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۷۸). ابراهیم پاشا پس از عبور از کوه‌های توروس (طوروس)، اذنه (اذنه)، ازمیر و بروسه (بورسه) را در فوریه ۱۸۳۳ میلادی تصرف کرد (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۶۷؛ اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۷۹). تصرفات وی به کوتاهیه و آستانه نزدیک شد. به نظر می‌رسد ابراهیم سودای ورود به استانبول، مرکز دولت عثمانی، را هم داشته است (یاقی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۴).

ابراهیم همانند پدر، روحیه توسعه طلبانه داشت. وی در پاسخ نماینده فرانسوی که او را از تصرفات بیشتر باز می‌دارد، می‌گوید: آیا تاریخ خوانده‌ای؟ زمانی را که رهبری پیروز شود ولی در مسیر توقف کند (حجار، ۱۹۷۶م: ۱۵۹)!

۴-۱. واکنش دولت‌های بزرگ به شکست عثمانی

این کنش محمدعلی، واکنش دول بزرگ را در پی داشت. این دولت‌ها بویژه روسیه، از توسعه طلبی محمدعلی پاشا به هراس افتاده و به دولت عثمانی پیشنهاد کمک کردند (یاقی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۴). ترس و واهمه دولت‌های بزرگ از این فتوح به دلایل زیر بوده است:

۱. از مهمترین تنگه‌های کوه‌های طوروس میان شام و آناتولی که اسکندر هم از آنجا در فتوح خود بهره برده است (فریدبک محامی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۴۵۰).

۱۷ Anatolia

۱. تاریخ بیست و یکم دسامبر هم ذکر شده است (هولت، پی‌ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۷؛ بولو، ۱۳۸۶ش: ۲۸۳).

۱۹ Konya

۲۰ Taurus Mountains

۲۱ Adana

۲۲ Izmir

۲۳ Bursa

الف. به هم خوردن موازنه اروپایی؛

ب. گسترش مرزهای دولت اسلامی در آسیا و آفریقا؛

ج. تجدید خون خلافت و تأسیس دوباره دولتی قدرتمند و پایدار که مطامع آنها را در منطقه به خطر می انداخت؛

د. گسترش نفوذ محمدعلی از نیل تا فرات و واهمه انگلستان از ادامه نفوذ هم پیمان او فرانسه در آفریقا و آسیا.

احتمال دارد سلطان محمود، شخصاً از روسیه طلب کمک کرده باشد. به هر روی روسیه قوای خود را متشکل از پانزده - هزار نفر به تنگه بسفر و صیانت از آستانه فرستاد (پل رو، ۱۳۵۲ش: ۱۹۱). از طرف دیگر دو دولت انگلستان و فرانسه از سلطان عثمانی خواستند تا با محمدعلی پاشا به تفاهم برسد (یاقی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۴).

در ذی الحجه ۱۲۴۸ق/مه ۱۸۳۳م معاهده‌ای در «کوتاهیه» ترکیه و با همین نام، میان دو دولت عثمانی و مصر به امضای رسید، برخی از مفاد این قرارداد به قرار ذیل بود:

الف. محمدعلی پاشا از آناتولی و سلسله جبال طوروس خارج شود؛

ب. دولت عثمانی، حکومت محمدعلی پاشا را تا پایان عمرش بر مصر به رسمیت بشناسد؛

ج. حکومت ولایات چهارگانه شام (عکا، طرابلس، حلب و دمشق) و جزیره کرت به محمدعلی واگذار شده و پسرش

ابراهیم پاشا به فرماندهی اذنه گماشته شود (هولت، پی‌ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۷؛ یاقی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۴).

مدتی از انعقاد این پیمان گذشته بود که دولت روسیه بدون اطلاع دولت‌های بزرگ، در تاریخ هجده محرم ۱۲۴۹ق/

هفت ژوئن ۱۸۳۳م پیمانی دفاعی با عثمانی منعقد کرد. در این معاهده که «اونکیار اسکلسی» نامیده می‌شد، روسیه متعهد^۲

گردید که به مدت هشت سال از بلاد عثمانی در برابر تهاجم مصر و سایر دول محافظت کند. در مقابل، دولت عثمانی متعهد

شد که تنگه داردانل را در برابر ورود ناوگان دریایی^۱ همه دولت‌ها ببندد (اسکندری^۲ و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۸۰؛ فریدبک -

^۲. تعداد این قوا دوازده هزار نفر هم عنوان شده است (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۷۹).

^۱: Strait of Bosphor

^۲: Kutahya

^۳: Unkhia skelessi

^۴: Dardanelles Narrows

المحامی، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م: ۴۵۱). این در حالی بود که ناوگان روسیه اجازه داشت که برای دفاع از آستانه وارد تنگه بسفر بشود (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸/ق/۱۹۹۸م: ۱۹۷).

۲. جنگ نصیبین

۲-۱. موقعیت مکانی نصیبین (نسیبین/نزیب)

نصیبین یا نسیبین و یا نزیب نام شهری در جنوب کشور ترکیه در شرق شهر غازی عینتاب و در سمت غرب رودخانه فرات (عبدالهادی محمدمسعود و دیگران، ۲۰۰۲/۵۱۴۲۲م، ج ۱: ۱۰۵) واقع است. این شهر در استان غازی عینتاب قرار داشته و اکنون نیز نزیب خوانده می شود و بیش از نود هزار جمعیت دارد. شهر نصیبین را نایستی با شهر دیگر ترکیه یعنی نصیبین اشتباه گرفت که در جنوب شرقی ترکیه و در استان ماردین واقع است. دلیل دیگر بر اثبات این مدعا، گزارش های این جنگ است که به دره میان نزیب و بیره جیک اشاره می کند. بیره جیک که در برخی متون عربی بلاجیق ذکر شده است (فریدبک - المحامی، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م: ۴۵۳)، در شرق نیز نزیب قرار دارد. یاقوت حموی (د. ۶۲۶/ق/۱۲۲۸م) از سه نصیبین یاد می کند و این نصیبین مورد نظر ما را که در نزدیکی فرات قرار دارد، نصیبین روم می خواند. (تصویر شماره ۴) نبرد نصیبین میان عثمانیان و سپاه مصر در این مکان رخ داده است. منابع مختلف از این جنگ با نام های گوناگون یاد کرده اند. نگاشته های عربی بیشتر با عنوان نصیبین (زورکر، ۱۹۹۳م: ۶۵) و برخی منابع و متون، بویژه کتب خاورشناسان، با نام نزیب به بررسی این جنگ پرداخته اند (هولت، پی ام و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۵۰۷).

۲. محمد صبری در کتاب خود همه تنگه های ترکیه را در این معاهده می آورد که به نظر می رسد صحیحتر باشد (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸/ق/۱۹۹۸م: ۷۰).

۱: Gaziantep

۱: Nizip

۲: Nusaybin

۳: Mardin Province

۴: Birecik

۳. نصیبین سوم در سوریه کنونی قرار داشته و در گذشته، روستایی از روستاهای حلب بوده است (یاقوت حموی، بی تا: ذیل نصیبین). ابن جبیر، جهانگرد مسلمان اندلسی (د. ۶۱۴/ق)، از قول ابونواس شاعر (د. ۱۹۶/ق) درباره نصیبین می نویسد: «روزی مرا نصیبین، دلپذیر آمد و من به آن شهر در آمدم. کاش نصیب من از جهان نصیبین باشد» احتمالاً منظور او نصیبین جنوب شرقی ترکیه بوده که از دو نصیبین دیگر بزرگتر و آبادتر است (ابن جبیر، ۱۳۷۰ش: ۲۹۲).



تصویر شماره ۴، موقعیت نصیبین (نزیب) در ترکیه

۲-۲. عوامل شکل گیری

در این زمان، سلطان محمود عثمانی دست به اقدامات و اصلاحات نظامی زد. در سال ۱۲۵۰ق/ ۱۸۳۴م، یعنی بیش از یک سال پس از معاهده کوتاهیه و چند ماه پس از معاهده اونکیار اسکلسی، عثمانی‌ها در صدد حمله به سوریه برآمدند اما فشار شدید انگلستان و روسیه مانع بروز جنگ شد (جی. شاو و ازل کورال، ۱۳۷۰ش، ج ۲: ۱۰۰). عقیده دیگری هم وجود دارد که سلطان عثمانی به تحریک انگلیسی‌ها که نمی‌توانستند نفوذ روسیه بر قسطنطنیه و تسلط فرانسه بر مصر را تحمل کنند، به جنگ با محمدعلی پاشا اقدام نموده است (پل رو، ۱۳۵۲ش: ۱۹۲).

در سال ۱۲۵۱ق/ ۱۸۳۵م سلطان محمود عثمانی طی یادداشتی به دولت انگلستان، وضعیت خود را این‌گونه توصیف کرد: «باب عالی به اقتضای ضرورت‌های لازمه، مجبور به تجهیز لشکری از عثمانی در مقابل لشکر مصر شده و محال است که جنگ و نزاع در میان آن دو لشکر بروز نکند.» (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش، ج ۵: ۳۶۸۵) در مقابل، محمدعلی پاشا همراه مطالب تهدیدآمیز اظهار داشت: «حالت حالیه، اسباب خرابی مملکت مصر است اگر ولایاتی را که به موجب معاهده کوتاهیه در تصرف دارد به طور وراثت به او واگذار نکنند، دم از استقلال و آزادی خواهد زد.» (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش، ج ۵: ۳۶۸۵)

به سال ۱۲۵۲ق/ ۱۸۳۵م شورش‌هایی در طرابلس، عکا، منطقه کوه‌نشین لبنان و نابلس رخ داد که تابع ولایت دمشق بودند. به دنبال آن در رجب ۱۲۵۲ق/ اکتبر ۱۸۳۶م دروژی‌ها و مارونی‌ها علیه ابراهیم پاشا قیام کردند. ابراهیم توانست این

^۳ . در روز یک انجمن یا فرقه مذهبی بر پایه علوم خفیه و یکتاپرستی است. سکونت‌گاه‌های اصلی پیروان آن، کشورهای سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می‌باشد.

شورش‌ها را بخواباند (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۸۲). محتمل است شورشیان از نظر مال و سلاح از خارج کشور تأمین می‌شده‌اند تا شوکت و قدرت ابراهیم و محمدعلی را در هم شکنند (فریدبک المحامی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۴۵۲). ممکن است علاوه بر دولت عثمانی، دولت‌های بزرگ از جمله انگلستان هم در این قیام‌ها دخیل باشند. دلیل بر این مدعا، گفته سفیر انگلستان در سوم مارس ۱۸۳۶ میلادی در آستانه است: «محمدعلی فردی است که خود را سلطان قلمداد کرده و سلطان عثمانی را به جنگ فرا می‌خواند. بنابراین بایستی از جایگاهی که باب عالی را تهدید می‌کند، اخراج شود.» (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۷۲)

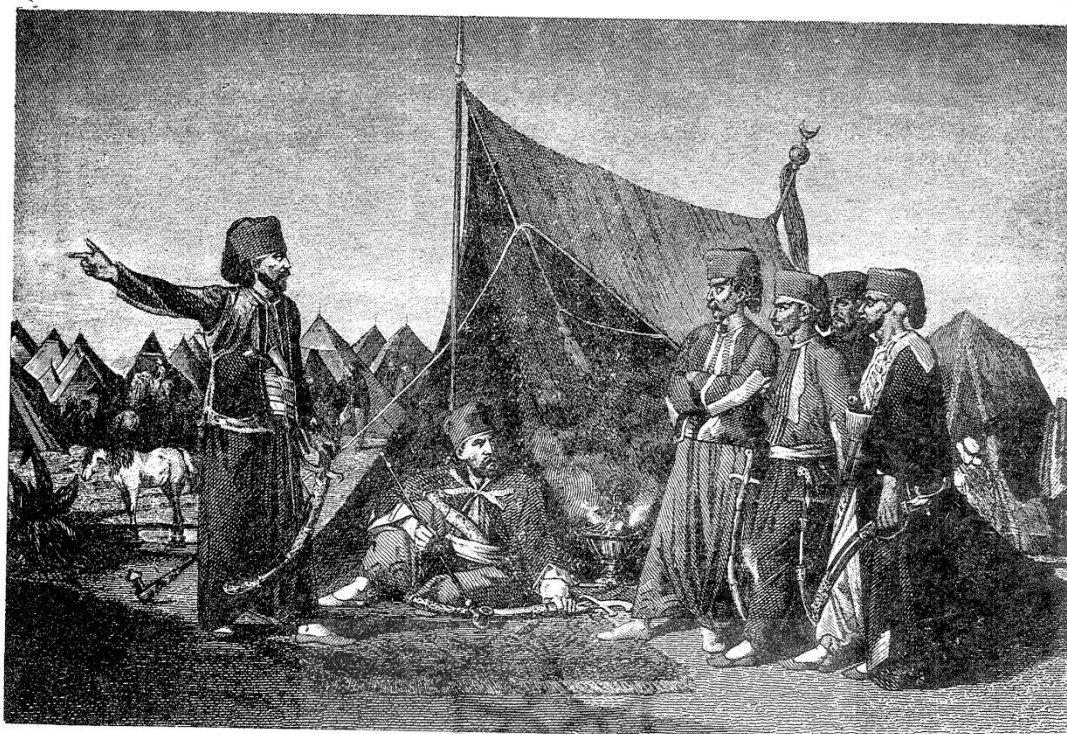
در سال ۱۸۳۸ میلادی محمدعلی ادعای استقلال از دولت عثمانی نمود و بدین ترتیب بر دولت‌های بزرگ فائق آمد. وجود اسناد و مکاتبات فراوان پیش از جنگ نزیب، بیانگر این رویکرد جدایی و استقلال محمدعلی و زمینه‌سازی برای آفرینش دولت نیرومند عربی در مصر دارد (حجار، ۱۹۷۶م: ۹۷). پس از این اقدام، انگلستان همچون قبل درصدد نابودی محمدعلی برآمد. «پالمستون»، سفیر انگلستان، در این باره می‌نویسد: «مصلحت ما این است که سوریه و حتی مصر را به سلطان عثمانی برگردانیم.» (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۷۲)

در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م سلطان عثمانی، محمدعلی پاشا و پسرش را خائن نامیده از همه امتیازات و مناصبی که باب - عالی از روی اطمینان به او داده بود، محروم کرد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش، ج ۵: ۳۶۸۵). البته نظر دیگری هم هست که بعد از معاهده کوتاه‌مدت، خطا توسط مصریان انجام شده و باعث به‌وجود آمدن جنگ نزیب (نصبین) شده است (نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۲). همچنین خودداری محمدعلی از پرداخت خراج به باب عالی به سال ۱۲۵۴ق/۱۸۳۸م و ادعای استقلال وی را از عوامل مهم آغاز جنگ به شمار می‌آورند (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷). به هر روی این عوامل دست به دست هم داده و سبب‌ساز جنگ نصبین شد.

۲-۳. رویارویی

به رغم کوشش‌های مداوم در آرام‌نگهداشتن عثمانی‌ها و مصری‌ها، دو طرف برای جنگ آماده شدند. ابراهیم پاشا نیرویی مرکب از پنجاه هزار سرباز در حلب آماده کرده و از سوریه تا فلات آناتولی، استحکاماتی بنا کرد (جی. شاو و ازل کورال، ۱۳۷۰ش: ۱۰۱). (تصاویر شماره ۵ و ۶)

^۳ مارونی‌ها گروهی قومی- مذهبی در سرزمین شام و عمدتاً در لبنان امروزی هستند که نام خود را از سن مارون مسیحی- آشوری گرفته‌اند.



ابراهیم پاشا فی نصیبین

منبع: تاریخ مصر من محمد علی الی العصر الحدیث نوشته محمد صبری، ص ۴۹.

تصویر شماره ۵، ابراهیم پاشا در جنگ نصیبین

در مورخه ۱۲۵۵ق/مه ۱۸۳۹م، حافظ (حفیظ) پاشا، سرلشکر عثمانی، مأمور جنگ با مصریان شد. سپاه او در پنجم صفر

۱۲۵۵ق/ ۲۱ آوریل ۱۸۳۸م به سوریه وارد شد (نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۲). این سپاه نخست در سیواس گرد آمده و سپس به سوی جنوب پیش رفته در غرب رودخانه فرات و منطقه بیره‌جیک مستقر شدند. زمانی که خبر به محمدعلی رسید، سپاهی به فرماندهی احمد پاشا (المنکلی) برای کمک فرزندش ابراهیم پاشا فرستاد (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۸۶-۱۸۵). نیروهای دریایی عثمانی هم از طریق دریای مدیترانه راهی شام شدند (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷). گروهی از مستشاران پروس

^{۸۸} Sivas

^۳ امپراتوری آلمان سابق (prosse).

الجيش المصرى فى معركة نزيب :

(۱) المشاة :

فرقة الحرس - ۳ آلايات (۱ و ۲ و ۳) بقيادة الفريق عثمان باشا ۸۶۱۷
 اللواء الأول - آلايان (۲ و ۲۲) بقيادة أمير اللواء سليم بك ۴۷۳۱
 اللواء الثانى - آلايان (۴ و ۱۲) بقيادة أمير اللواء ابراهيم بك ۵۲۱۶
 اللواء الثالث - آلايان (۶ و ۱۸) بقيادة أمير اللواء حمزة بك ۷۳۹۳
 اللواء الرابع - آلايان (۹ و ۱۴) بقيادة أمير اللواء عمر بك ۴۵۵۱
 اللواء الخامس - ۳ آلايات (۱۱ و ۱۱ و ۱۰) بقيادة أمير اللواء فرحات بك ۷۱۶۵
 مجموع المشاة ۳۷۶۷۳

(ب) الخيالة :

لواء الحرس - آلايان بقيادة الفريق أحمد المنكلى باشا ۱۷۳۸
 اللواء الأول الخيالة - آلايان (۱۱ و ۲) بقيادة أمير اللواء رستم ۱۶۷۹
 اللواء الثانى الخيالة - آلايان (۱ و ۱۳) بقيادة الجوخدار ۱۷۲۸
 اللواء الثالث الخيالة - آلايان (۶ و ۱۰) بقيادة ابراهيم بك ۱۶۳۰
 مجموع الخيالة ۶۷۷۵

(ج) المدفعية : بقيادة أمير اللواء جعفر صادق بك

مدفعية الحرس : بقيادة أمير الآلاى خالد بك ۱۰۶۶
 الآلاى المدفعية الثانى المشاة : بقيادة أمير الآلاى محمد العتبلى ۳۰۶۶
 آلاى المدفعية الأول الخيالة : بقيادة أمير الآلاى حاذق بك ۱۰۴۰
 آلاى المدفعية الثانى الخيالة : بقيادة أمير الآلاى زكى بك ۱۰۶۷
 مجموع المدفعية ۵۶۳۵

المجموع الكلى للجيش ۵۰,۰۷۳ ضابطا وجنديا بصحبتهم ۱۶۳ مدفعا .

منع : ذكرى البطل الفاتح ابراهيم باشا نوشته عبد الحميد بطريق و ديگران، صص ۳۷۲ - ۳۷۳.

تصوير شماره ۶، آمار نیروهای سپاه مصر در جنگ نصیبین

عثمانی برای کمک اعزام گردیدند. تعداد لشکر ترک دو برابر قشون مصری بودند اما مصری‌ها از جهت نظم و ترتیب و رشادت رؤسای خود، بر ترک‌ها برتری داشتند. در حقیقت نیروهای عثمانی سپاهیان آموزش دیده نبوده بلکه از قبیله‌های کرد و ترک تشکیل شده بودند. عثمانی امیدوار بود که با حضور آنان در جبهه‌های نبرد سوریه، قیامی عمومی علیه ابراهیم پاشا بر پا

۴: Helmuth von Moltke

شود و بدینسان به رغم اظهارهایی که دولت‌های بزرگ پیش از آن درباره ایجاد هرگونه برخوردی داده بودند، بدون هیچ نزاعی، سلطه عثمانی دیگر بار احیا شود (جی. شاو و ازل کورال، ۱۳۷۰ش: ۱۰۱). گفته می‌شود که پالمرستون وزیر خارجه انگلستان علی رغم تنفر و انزجاری که از محمدعلی داشته و او را سرسپرده فرانسه می‌دانسته، محمود عثمانی را از جنگ با ابراهیم پاشا، پیش از آمادگی کامل نظامی، بر حذر می‌داشته است (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م: ۱۹۷).

در بیست و سوم ربیع‌الاول/ هفتم ژوئن همان سال در بیانیه‌ای، دیگر بار محمدعلی، خائن به امپراتوری خوانده شد. (نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۲) در یازدهم ربیع‌الآخر/ بیست و چهارم ژوئن، نظامیان مصری و ترک در نزیب درگیر شدند (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۷۲، فریدبک المحامی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۴۵۳؛ اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۸۶). (تصاویر شماره ۷

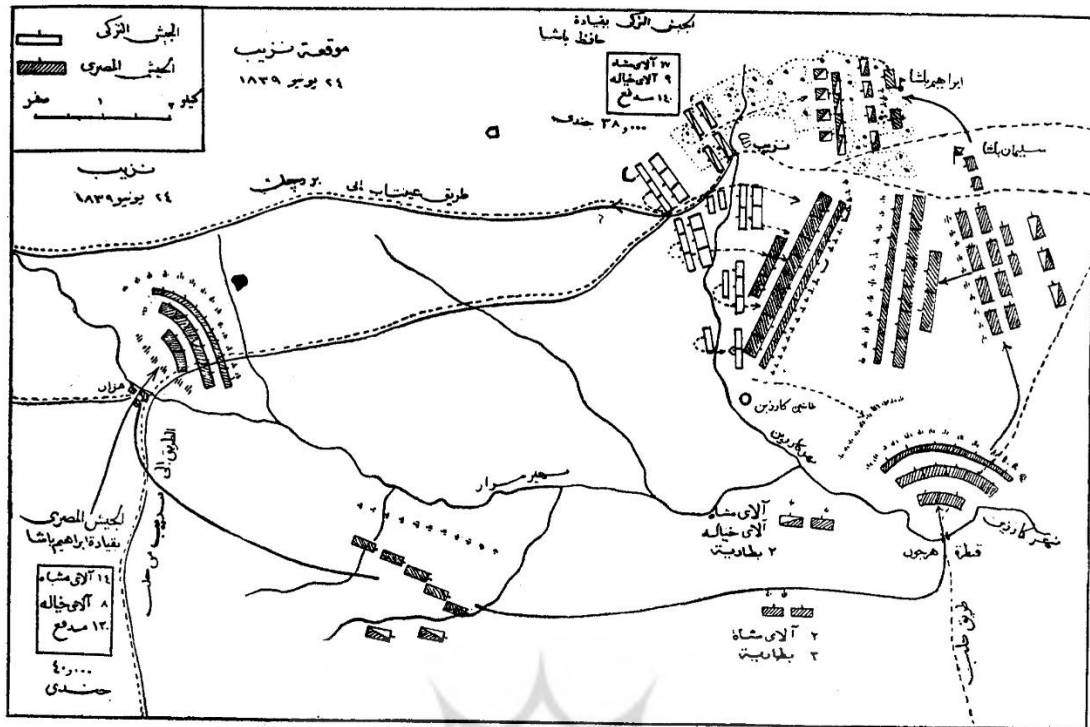
و ۸)



تصویر شماره ۷، موقعیت جنگ نصیبین (نزیب)

پرتال جامع علوم انسانی

۴. زمان جنگ بین یازده تا هفده ربیع‌الآخر هم ذکر شده است (جعفریان، khabar online.ir).



منبع: ذکری البطل الفاتح ابراهیم پاشا نوشته عبدالحمید بطریق و دیگران، ص ۳۸۵

تصویر شماره ۸، موقعیت جنگ نصیبین (نزيب)

در این نبرد تقریباً پنجاه هزار نفر از دو طرف شرکت داشتند. در بادی امر، فرماندهی میمّه بر عهده سلیمان پاشا، میسر به فرماندهی فریق عثمان پاشا و قلب لشکر بر عهده احمد المنکلی بود (بطریق و دیگران، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م: ۳۸۴). مصری‌ها به فرماندهی ابراهیم پاشا ارتفاعات مشرف به ترک‌ها یعنی دره‌ای میان نزيب و بیره‌جیک را اشغال کرده، به روی آنها آتش گشودند. پس از ساعتی نبرد، توپخانه مصری، آتشبارهای ترکان را از کار انداخته و راه را برای حمله سواره‌نظام ابراهیم باز کرده و حمله‌های بی‌پروای آنان سرنوشت سپاه ترکیه را به نابودی کشاند (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۵). نیروهای عثمانی با بیش از چهار هزار کشته و مجروح، دوازده تا پانزده هزار اسیر و به‌جای گذاشتن بیست هزار قبضه تفنگ و حدود یکصد و پنجاه عراده توپ منهدم شدند (ناتنه، ۱۳۷۹ش: ۲۲۲؛ بطریق و دیگران، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م: ۳۸۸-۳۸۷)؛ ضمن اینکه هزاران سند، نقشه و برنامه جنگی به دست نیروهای مصر افتاد. از سوی دیگر در این نبرد حدود سه هزار نفر از مصریان کشته و مجروح شدند (بطریق و دیگران، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م: ۳۸۸) و شمار اندکی از ترکان توانستند به آناتولی بگریزند. این برای دومین بار بود که راه

۴. سپاهیان مصری مرکب از ۳۷۶۷۳ نفر پیاده‌نظام، ۶۷۷۵ نفر سواره‌نظام و ۵۶۲۵ نفر مسؤول توپخانه و آتشبار بودند. مجموع این نفرات ۵۰۰۷۳ تن بوده‌اند (بطریق و دیگران، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م: ۳۷۳-۳۷۲).

پایتخت ترکیه عثمانی به روی ابراهیم گشوده می‌شد (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۵). در این جنگ دریاسالار احمدفوزی پاشا، فرمانده ناوگان دریایی عثمانی، خود را تسلیم محمدعلی پاشا کرد (زورکر، ۱۹۹۳م: ۶۵؛ نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۲). دو ساعت پس از پیروزی، ابراهیم پاشا نامه‌ای به پدر نوشت و در این نامه وضعیت جنگ و پیروزی را این‌گونه ترسیم کرد: «این کاغذ را از چادر حافظ پاشا که مشحون به تجملات و اثاث البیت است، از برای شما می‌نویسم. توپخانه با تمام احمال و اثقال و غنایم بسیار و اسرای بی‌شمار، به تصرف ما در آمده‌اند. من خواستم لشکر دشمن را تعاقب کنم لیکن در هیچ جا آنها را نیافتم. ما از یک طرف که دشمنان ملتفت و منتظر نبودند به آنها حمله کردیم و ایشان چنان به سرعت فرار کردند که ما نتوانستیم به آنها برسیم.» (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش، ج ۵: ۳۶۸۶؛ بطریق و دیگران، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۳۸۷)

سلطان محمود دوم عثمانی شش روز پس از جنگ و پیش از آنکه خبر شکست به او برسد، در سن پنجاه‌وپنج سالگی درگذشت (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م: ۱۹۸؛ فریدبک المحامی، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م: ۴۵۴). عبدالمجید شانزده‌ساله پس از وی به سلطنت رسید (صبری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م: ۷۲).

۴-۲. عوامل شکست عثمانی‌ها

اسباب و علل گوناگونی باعث شکست عثمانی‌ها در جنگ نصیبین شد که برخی از آنها عبارتند از:

الف. فرار تعدادی از سربازان عثمانی در واکنش به رشوه و پرداخت طلا توسط مصریان (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷)؛

ب. تسلیم‌شدن احمدفوزی پاشا، فرمانده دریاسالار دولت عثمانی، به محمدعلی؛

ج. عدم رضایت سپاه عثمانی از حاکمان (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷)؛

د. نبودن نظم و انسجام در سپاه ترکان و عدم اطلاع کافی بر فنون نظامی در جنگ (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش، ج ۵:

۳۶۸۶)؛

ه. نداشتن مدیریت در فرماندهی لشکر عثمانی (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷)؛

۴. نامه‌های ارزشمندی در کشور مصر نگهداری می‌شود که برخی از آنها مربوط به جنگ نصیبین می‌باشد. از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه اخبار پیروزی و اسارت سلیمان پاشا و نامه محمدعلی به ابراهیم و اظهار سرور و شرف او به خاطر پیروزی اشاره کرد (نامه‌های شماره ۵۸۸۸ و ۵۸۹۱) (رستم، ۱۹۸۶م، ج ۴: ۱۲۶-۱۲۴).

۴. هرچند برخی نویسندگان بر این باورند که محمود به سبب شکست عثمانی‌ها در جنگ نصیبین از دنیا رفته است (لاموش، ۱۳۱۶ش: ۲۷۹) اما به نظر می‌رسد این سخن حقیقت نداشته باشد چرا که اکثر مورخان بر مرگ او پیش از رسیدن خبر شکست نصیبین اتفاق نظر دارند.

و. کافر دانستن سلطان عثمانی از سوی عوام به سبب اجرای تنظیمات و استمداد از دولت های بزرگ و روی آوردن این مقدس مآب ها به سپاه محمدعلی (عبدالرحیم مصطفی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م: ۱۹۸).

ز. ناهمگونی سپاه عثمانی از منظر قومی، فرهنگی و دینی؛ به طوری که لشکریان، از اقوام گوناگون ترک و کرد تشکیل شده بودند. همچنین تفاوت های مذهبی و فرهنگی در میان سپاه مشهود بود. از طرف دیگر فرماندهان و صاحب منصبان لشکر، اروپایی بودند؛ حتی مستشاران پروسی از جمله فون مولتکه در این رخداد حضوری پررنگ داشتند (جی. شاو و ازل کوران، ۱۳۷۰ش: ۱۰۱).

۵-۲. دستاوردهای جنگ نصیبین

شکست در جنگ نصیبین برای عثمانی ها نتایج ناخوشایندی به همراه داشت:

- الف. از دست دادن حاکمیت بر منطقه و سپاه امپراتوری عثمانی و فاتح شدن دیگر بار مصر؛
- ب. پیوستن کامل نیروی دریایی عثمانی به فرماندهی احمدفوزی پاشا به ابراهیم پاشا؛
- ج. به رسمیت شناخته شدن دوباره حق موروثی خاندان محمدعلی در مصر و متصرفات آن؛
- د. حاضر شدن به پذیرش همه شروط ابراهیم پاشا و محمدعلی توسط باب عالی (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۵).

۳. پیامدهای ناخوشایند جنگ نصیبین

هرچند جنگ نصیبین برای محمدعلی، پیروزی درخشانی به دنبال داشت و بار دیگر قدرت و شکوه او را در برابر امپراتوری بزرگ باقدمت عثمانی و دول استعمارگر نشان داد اما نتایج نامطلوبی را هم برای او رقم زد:

۱-۳. قیام لبنانی ها علیه ابراهیم پاشا

در ماه مه ۱۸۴۰ میلادی در لبنان قیامی وحشتناک صورت گرفت. «بازیلی» سرکنسول روسیه که شاهد عینی این قیام بوده، می نویسد: «شورش سراسر مناطق مسیحی نشین لبنان را فرا گرفت. چند هزار نفر از ساکنان کوهستان ها که نیمی از آنان مسلح و نیمی دیگر بیل و چوبدستی داشتند، به قصد تصرف بیروت از کوه ها سرازیر شده اما در اطراف قصرها با سدی از آتش روبه رو شدند. شورشیان کلیه خانه های اطراف قصرها را اشغال و شروع به کشتن سربازان و غارت اموال دولتی کردند ولی با

۴: Bazili

اموال مردم کاری نداشتند. در اعلامیه‌ای که از طرف شورشیان صادر شد، آنها وفاداری خود را به سلطان عثمانی اعلام کردند. ابراهیم به راحتی این قیام را فرو نشاند زیرا قیامی سازمان‌یافته نبوده و به مناطق مسیحی‌نشین لبنان منحصر می‌شد. روستاهای مناطق کوهستانی، چپاول و سوزانده شده و رهبران قیام به سنّار^{۴۶} در سودان تبعید شدند (لوئسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۶).

۲-۳. موافقت‌نامه فرانسه

فرانسه به دور از چشم چهار قدرت متحد و مخالف مصر، ترکیه و مصر را وادار کرد که در ماه مه ۱۸۴۰ میلادی موافقت‌نامه‌ای به امضا برسانند که بر طبق آن سلطان عثمانی حکومت محمدعلی را بر مصر و سوریه به رسمیت بشناسد. با اطلاع قدرت‌های دیگر اروپایی، ایشان درصدد برهم‌زدن این موافقت‌نامه برآمدند و از ناراضی‌های سوریه و فلسطین استفاده کردند که تاکنون چندین بار علیه مصر، دست به طغیان زده بودند (لوئسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۶).

۳-۳. معاهده انگلستان

شکست عثمانی‌ها در نزیب و سرکوب قیام لبنانی‌ها توسط ابراهیم پاشا و قدرت رو به تزاید مصر، رعب و وحشتی در دل دولت‌های بزرگ افکند و باعث جنب‌وجوش و دخالت آنها شد. آنها به سادگی نمی‌خواستند دولت رو به زوال و تا حدودی مستعمره خویش، یعنی دولت عثمانی را، به سادگی از دست دهند و بدین روی در جهت صیانت از سلطنت عثمانی به هر اقدامی دست یازیدند. در بادی امر این دول با ارسال نمایندگانی به قاهره و قسطنطنیه، حاکمان را به صلح تشویق کردند. از جمله این هیأت‌های دیپلماسی، می‌توان به دو هیأت فرانسوی به سرپرستی «مارشال سولت» و «کومندان کولییر» اشاره کرد (عبدالهادی محمدمسعود و دیگران، ۲۰۲۰/۵۱۴۲۲م، ج ۱: ۱۵۹-۱۵۸). در پانزدهم یا شانزدهم جمادی الاول ۱۲۵۶ق/پانزدهم ژوئیه ۱۸۴۰م معاهده‌ای به سرپرستی پالمستون در لندن به امضای دولت‌های انگلستان، روسیه، اتریش، پروس و ترکیه رسید. پالمستون اعتقاد داشت که دولت علیه عثمانی در امان نیست مگر اینکه صحرای سینا^{۴۷} حد فاصل آن و محمدعلی باشد (اسکندری و سلیم، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۱۸۸). فرانسه به این مذاکرات، دعوت نشده بود (نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۳). برخی معتقدند که فرانسه با حمایت از ادعاهای محمدعلی علیه سلطان عثمانی و در واکنش به چیزی که منافع خود تلقی می‌کرد، از همکاری سرباز زده است (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷). معاهده که در حمایت دولت عثمانی بسته شده بود، با تهدید محمدعلی، تغییر یافت و بار دیگر پیشنهاد پاشایی موروثی مصر به صورت مادام‌العمر و تحت قیومیت عثمانی به وی داده شد. به هر روی در نوزدهم اوت ۱۸۴۰ میلادی قدرت‌های اروپایی از محمدعلی خواستند که شرایط قرارداد را به شرح زیر بپذیرد:

^{۴۶} Sennar

^{۴۷} Sinai Peninsula

الف. عقب‌نشینی از روسیه به جز پاشانشین عکا و سوریه جنوبی؛

ب. استرداد ناوگان دریایی ترکیه به باب عالی؛

ج. تعلق پاشانشین مصر به محمدعلی؛

د. استرداد بقیه متصرفات به سلطان عثمانی؛

ه. با گذشت ده روز، چنانچه محمدعلی سرسختی نشان دهد، تنها حکومت مصر به وی واگذار خواهد شد؛

ز. با گذشت ده روز دیگر اگر همچنان بی‌اعتنایی کند، با اقدام دسته‌جمعی قدرت‌ها سرنگون خواهد شد (نانت، ۱۳۷۹ش):

۲۲۳؛ کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷؛ لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۷).

۳-۴. عزل پدر و پسر

پس از معاهده لندن، تنها مصر برای محمدعلی پاشا باقی مانده بود. به سبب اینکه وی، دستورهای دولت‌های چهارگانه را در مدتی که تعیین شده بود، نپذیرفت، او را از پاشایی مصر عزل کرده و برای سومین بار از مذهب اسلام خارج و مرتد و ملعون شمردند و عزت‌محمد پاشای وزیر را حاکم مصر نامیدند (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش: ۳۶۹۴). در لبنان هم تصمیم گرفته شد که امیرالامرا، به دلیل اخلاص زیاد، جایگزین ابراهیم پاشا شود (نانت، ۱۳۷۹ش: ۲۲۳).

۳-۵. جنگ متحدان و تسلیم محمدعلی پاشا

محمدعلی پاشا معتقد بود آنچه با شمشیر به دست آمده است، با شمشیر نگهداری خواهد شد. با بی‌اعتنایی وی به شرایط معاهده لندن و اخطار متحدان، انگلستان و اتریش با همکاری ترکیه، عملیات نظامی را آغاز کردند. ناوگان‌های دریایی با پیاده‌کردن نیروهای خود در شمال بیروت و مسلح کردن مردم آبادی‌های کوهستانی لبنان، علیه محمدعلی پاشا همدست شدند (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۷). در دو عملیات متوالی، استحکامات بیروت و عکا منهدم و نابود شد (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۸). این بار فرانسه از کمک به محمدعلی پاشا سرباز زد. سربازان ابراهیم در سوریه از یک طرف در زیر آتش دشمن بودند و از طرف دیگر با بیماری و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند. به تدریج شهرهای مختلف لبنان و سوریه به اشغال در آمد. نیروهای ابراهیم در دهم اکتبر سال ۱۸۴۰ میلادی در نزدیکی بیروت پراکنده شدند. پس از بیروت، انطاکیه و اسکندرون و در سوم نوامبر ۱۸۴۰ میلادی، مستحکم‌ترین سنگر مصری‌ها یعنی عکا و سپس بیت‌المقدس سقوط کرد (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۸-۹۷). در همین ماه

^{۴۸}: Antioch

^{۴۹}: Iskenderun

اسکادران دریایی انگلستان به فرماندهی دریاسالار «ناپیر» به اسکندریه نزدیک شد. ناپیر به محمدعلی اخطار داد که همانند بیروت و اکره، آنجا را زیر آتش خواهد گرفت (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۹). عواملی چون قیام سوریه، شکست ارتش مصر در آنجا و فلسطین، موضع‌گیری جدید فرانسه و تهدید انگلستان، اراده آهنین محمدعلی پاشا را متزلزل کرده بود. بنابراین علی رغم میل باطنی، شرایط ناپیر را پذیرفت (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۸). بدین ترتیب سپاه ابراهیم با پنجاه‌وپنج هزار سرباز به همراه یکصدوپنجاه عراده توپ و بجاگذاشتن هفت‌هزار اسیر عقب‌نشینی کردند. دولت‌های متفق واسطه شدند که حکومت مصر را به شکل وراثت به محمدعلی واگذار نمایند. باب عالی در بادی امر از قبول این مسأله امتناع نمود اما به سبب خواهش امپراتور روس پس از شش روز پذیرفت و حکم سلطان اعاده شد (بطریق و دیگران، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م: ۳۹۸).

در ذی‌القعدة ۱۲۵۶ق/ دوازدهم ژانویه ۱۸۴۱م سلطان عثمانی، سند حکومت مصر را به شکل موروثی برای محمدعلی - پاشا امضا کرد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹ش: ۳۶۹۵). محمدعلی پاشا علاوه بر پذیرش بندهای معاهده پیشین، بایستی به انجام این امور هم متعهد می‌شد:

الف. تخلیه تمام سوریه و فلسطین و بازگرداندن آنجا به همراه جزیره کرت به حکومت باب عالی؛

ب. از سرگیری پرداخت خراج به سلطان؛

ج. کاهش نیروهای ارتش (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۹).

در همین سال یعنی ۱۲۵۷ق/ ۱۸۴۱م معاهده دیگری در لندن به امضا رسید و بر طبق آن دولت‌های بزرگ، که اینک شامل فرانسه هم می‌شد، رسماً تنگه‌های داردانل و بسفر را به عنوان آب‌های ترکی به رسمیت شناختند که در زمان صلح، کشتی‌های جنگی خارجی حق تردد نداشتند (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۸). حتی روسیه هم با روحیه‌ای مسالمت‌آمیز همکاری کرده و به خاطر حل‌وفصل مسأله، پیشنهاد داد که از حقوق انحصاری خود نسبت به عبور دریایی از داردانل دست بکشد (کینگ، ۱۳۷۳ش: ۴۸۷).

۳-۶. فرجام مصر

قدرت‌های بزرگ استعمارگر با شکست و تا حدودی نابودی سپاه و ناوگان دریایی مصر، به نقشه‌های استقلال‌طلبانه محمدعلی لطمه زده و این کشور را به مستعمره انگلستان تبدیل کردند. هرچند به ظاهر وابستگی مصر به باب‌عالی بیشتر شد ولی در حقیقت باب عالی به سال ۱۸۴۱ میلادی، مصر را از دست داد و از آن پس، این کشور تحت کنترل کامل انگلستان در آمد (لوتسکی، ۱۳۷۹ش: ۹۹). بدین ترتیب محمدعلی پاشا که توانسته بود سرزمین‌های پهناوری را از ترکان بگیرد و با

°: Charles Napier

پیروزی‌های نظامی خود، در فاصله سال‌های ۱۸۳۱ تا ۱۸۴۱ میلادی، دولت امپراتوری عثمانی را به خطر اندازد، سرانجام با میانجی‌گری دولت‌های اروپایی از متصرفات خود چشم پوشید (ووسینیچ، ۱۳۴۶ش: ۹۴-۹۳).

نتیجه گیری

با فروپاشی خلیفگان عباسی توسط مغولان و پس از گذشت چند سده، سلاطین عثمانی در آسیای صغیر جایگزین آنان شدند. ترکان عثمانی با فتوح گسترده، بخش‌هایی از اروپا، آسیا و آفریقا را تصرف کرده و امپراتوری نیرومند جدیدی را به وجود آوردند. به مثابه این دولت، دولت‌های اروپایی همچون انگلستان، فرانسه، آلمان و روسیه نیز از قدرت کافی بی‌بهره نبودند و روز به روز سیاست‌های استعماری و توسعه‌طلبی آنها گسترش یافته و دخالت در امور کشورها برایشان امری اجتناب‌ناپذیر گردید. کاهش قدرت دول بزرگ رقیب و مخالف آنها همچون دولت قدرتمند عثمانی برای این دول خوشایند بود. به تدریج ضعف و افول دولت عثمانی، خودمختاری محمدعلی پاشا را که خود پیش از این، دست‌نشانده عثمانی‌ها در مصر بود، به دنبال داشت. او با اقدامات علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی توانسته بود گام‌های زیادی در جهت توسعه و پیشرفت کشور و دولت خویش بردارد. محمدعلی پس از احساس فتور در عثمانی‌ها دست به نبردهایی با آنان زد و در این برخوردها تقریباً پیروز میدان بود. پیروزی‌های فرزندش ابراهیم پاشا که فرمانده جنگ‌های او در شام، آسیای صغیر و نصیبین (نزیب) بود، رعب و وحشتی در دل قدرت‌های بزرگ استعمارگر بوجود آورد. دولت‌های بزرگ هرگز برآمدن دولت قدرتمند دیگری را در منطقه بر نمی‌تابیدند و از این رو با ارسال هیأت‌های دیپلماسی و رایزنی‌ها از عثمانی‌ها حمایت کرده با دخالت‌های خود، به انعقاد معاهداتی متوسل شدند. حتی دولت فرانسه که همیشه حامی و پشتیبان حاکم مصر بود، اکنون در کنار سایر دول و در برابر محمدعلی قرار داشت. دولت‌های بزرگ با دستمایه‌قراردادن تهدیدها، معاهدات و در نهایت دخالت‌های نظامی‌شان توانستند به هدف خود نایل شوند و از برآمدن دولتی مستقل و تقریباً قدرتمند به رهبری فردی آرمان‌گرا، بی‌باک و توسعه‌طلب یعنی محمدعلی پاشا، جلوگیری کنند.

منابع

- آندرسون، پری (۱۳۵۸ش). *دارالاسلام (امپراتوری عثمانی)*، ترجمه آرسن نظریان، تهران: پویش، اول.
- ابن جبیر (۱۳۷۰ش). *سفرنامه*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی، اول.
- اسکندری، عمر و سلیم حسن (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م). *تاریخ مصر من الفتح العثمانی (الی قبیل الوقت الحاضر)*، قاهره،

مدبولی.

-بطریق، عبدالحمید و دیگران (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م). *ذکری البطل الفاتح ابراهیم پاشا*، قاهره: مدبولی، اول.

-بورلو، ژوزف (۱۳۸۶ش). *تمدن اسلامی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، اول.

-پل رو، ژان (۱۳۵۲ش). *ترکیه، جغرافیا، اقتصاد، تاریخ، تمدن، فرهنگ*، ترجمه خانباها بیانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.

-جی. شاو، استانفورد و ازل کورال شاو (۱۳۷۰ش). *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، اول.

-حجار، جوزف (۱۹۷۶م). *اوروپا و مصیر الشرق العربی*، ترجمه بطرس الحلاق و ماجد نعمه، بیروت: مؤسسه العربیه للدراسات و

النشر.

-الحصری، ساطع، ابوخلدون (۱۹۶۰م). *البلاد العربیه و الدوله العثمانیه*، بیروت: دارالعلم للملایین، الثاني.

-رستم، اسد (۱۹۸۶م). *المحفوظات الملكیه المصریه*، لبنان: البولسیه، الثاني.

-زمانی محبوب، حبیب (۱۳۸۹ش). *سقوط امپراتوری عثمانی با تأکید بر جنبش اصلاحات*، قم: رمز هدایت، اول.

-زورکر، اریک (۱۹۹۳م). *تاریخ ترکیا الحدیث*، ترجمه عبداللطیف الحارس، بیروت: دارالمدار الاسلامی.

-صبری، محمد (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م). *تاریخ مصر من محمد علی الی العصر الحدیث*، قاهره: مدبولی، اول.

-طوسون، عمر (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م). *صفحه من تاریخ مصر فی عهد محمد علی، الجیش المصری البری و البحری*، قاهره: مدبولی.

-عبدالرحیم مصطفی (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م). *احمد، فی اصول التاریخ العثمانی*، القاهره: دار الشروق، الثالث.

-عبدالهادی محمد مسعود، جمال و دیگران (۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م). *أخطاء يجب أن تصحح فی التاریخ الدوله العثمانیه*، بی جا:

دارالوفاء.

-فریدبک المحامی، محمد (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). *تاریخ الدوله العلیه العثمانیه*، تحقیق احسان حقی، بیروت: دار النفاثس، ششم.

-کینگ، راس (۱۳۷۳ش). *قرون عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران: کهکشان، اول.

-لاموش (۱۳۱۶ش). *تاریخ ترکیه*، ترجمه سعید نفیسی، تهران: کمیسیون معارف، اول.

- لوتسکی، ولادیمیر باراسوویچ (۱۳۷۹ش). تاریخ جدید کشورهای عربی، ترجمه رفیع رفیعی، تهران: علمی و فرهنگی، اول.
- ناتنه، ژاک (۱۳۷۹ش). تاریخ لبنان، ترجمه اسد الله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
- ووسینیچ، وین (۱۳۴۶ش). تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه سهیل آذری، تهران: کتابفروشی تهران.
- هامر پورگشتال، یوزف فن (۱۳۶۹ش). تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران: زرین، اول.
- هولت، پی ام و دیگران (۱۳۹۰ش). تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر، دهم.
- یاقوت حموی (بی تا). معجم البلدان، بیروت: دار الفکر.
- یاقی، اسماعیل احمد (۱۳۸۸ش). دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، پنجم.
- یوسف بک آصاف، حضرت عزتلو (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م). تاریخ سلاطین بنی عثمان، قاهره، مدبولی، اول.
- جعفریان، رسول، شام و مصر از چشم یک مسافر ایرانی در عصر محمدعلی پاشا (۱۲۵۶ق)، آخرین دسترسی: Khabar online.ir، ۱۳۹۷/۰۴/۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی